

بهولالمحبوب

صد غزل عیسی سرودم. آه مریم می شوم

مجموعه غزل

مهدیه امینی

فروغ السادات سوا

مقدمه

استاد محمدعلی مجاهدی (پروانه)



انتشارات سلسله

SELSELE PUBLICATIONS

صد غزل عیسی سرودم آه! ... مریم می شوم

دو دفتر شعر/ سروده‌هایی از:

● مهدیه امینی (دفتر ناگهان عشق)

● فروغ السادات سوا (دفتر یک پیاله باران)

مقدمه/ استاد محمدعلی مجاهدی

تدوین/ علیرضا اطلاق

به اهتمام/ حسن نصراللهی بروجردی

نوبت چاپ/ اول

تاریخ انتشار/ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۵

شمارگان/ ۲۰۰۰

طرح جلد/ عباس اسلامی

صفحه‌آرا/ سید مجتبی امینی

لیتوگرافی/ آدینه

چاپ/ سپهر

قیمت/ ۱۲۰۰ تومان

شابک/ ۹۶۴-۸۷۸۸-۲۴-۳ ISBN: 964.8788.24.3

ناشر/ انتشارات سلسله

قم - خیابان ارم، پاساژ قدس، شماره ۹۷

کد پستی/ ۳۷۱۳۷-۱۳۹۹۳

صندوق پستی/ ۱۳۸-۳۷۱۶۵

تلفن/ ۷۷۳۰۷۱۷

فاکس/ ۷۷۳۹۱۰۸

WWW.SELSELE.KETABNAMEH.COM

E-Mail: Selseleh_pub @ Hotmail.com

حق چاپ برای مؤلفان محفوظ است

عنوان مکاتبات: ساوه، کدپستی ۳۹۱۳۷/۶۴۱۹۳

تلفن ارتباط مردمی: ۲۲۱۴۷۲۵-۰۲۵۵

فہرست مطالب

دفتر اول: ناگہان عشق

۱۱	بیشتر می خواہمت	★
۱۲	غایب حاضر	★
۱۵	کہ حتی خضر ہم	★
۱۷	بیخشد! شاعرما	★
۱۹	طاہر قدسی	★
۲۱	ہوای وصل	★
۲۳	وقتش رسیدہ است	★
۲۵	اگر مجنون تو باشی	★
۲۷	یوسفی را دیدہ ام	★
۲۹	باور می کنم	★
۳۱	بہ معروف	★
۳۳	دوستت دارم	★
۳۵	در سکوت محض	★
۳۷	دل چہ قابل دارد؟	★
۳۹	خواب مرگ	★
۴۱	آئینہ حیران	★
۴۳	خاطر خواہی	★
۴۵	تو را چنان کہ توئی	★
۴۷	خواب خرگوشی	★
۴۹	دلتنگی	★
۵۱	تماشا	★
۵۳	خیابان تحیر	★
۵۵	عامری ترین قیس	★
۵۷	اشتباہ	★
۵۹	شنبہ آقائی	★
۶۱	حسن انتخاب	★
۶۳	شبہی کہ از دل انگور	★

دفتر دوم: یک پیاله باران

- ۷۵ * جمعه بزرگ
- ۷۷ * بلنگ تر
- ۷۹ * شعر دزد شیمی دان
- ۸۱ * سلیمان غزل
- ۸۳ * چشم‌های رباعی خیام
- ۸۵ * جام تغزل
- ۸۷ * ترانه یا غزل
- ۸۹ * شوریده حالی
- ۹۱ * سودای تکامل
- ۹۳ * چشم انتظاری
- ۹۵ * سرمایه جان
- ۹۷ * داستان هیبوط
- ۹۹ * بی‌نشان با نشان
- ۱۰۱ * چشمان خرقه پوش
- ۱۰۳ * سلیمان غزل
- ۱۰۵ * دیوانگی‌های دل
- ۱۰۷ * دیدار ممکن است
- ۱۰۹ * حوا می‌شوم
- ۱۱۱ * کیمیا
- ۱۱۳ * خوانخواهی
- ۱۱۵ * برادر پرستی
- ۱۱۷ * عزای عشق
- ۱۱۹ * جذبه‌ی عرفانی
- ۱۲۱ * زبانه‌ی انگور
- ۱۲۳ * بانوی دردها ۱
- ۱۲۵ * بانوی دردها ۲
- ۱۲۷ * بانوی دردها ۳

هوالجمیل

نگاهی کوتاه...

بارها گفته‌اند و شنیده‌ایم که: «عمر غزل به پایان رسیده است!» و این جمله شعارگونه را بیشتر از کسانی می‌شنویم که با ادبیات کلاسیک به معنای واقعی کلمه بیگانه‌اند و در وادی شعر سپید ادعای نوسرایی دارند بی آنکه در کارنامه ادبی آنان نقطه سپیدی وجود داشته باشد! اینان حتی به «شیوه نیمایی» هم معترض‌اند در حالی که از فلسفه هنجار شکنی‌های او اطلاعی ندارند! نادر نادرپور را از کهنه‌سرایان می‌شناسند و حاضر نیستند آثار او را حتی برای یک‌بار مرور کنند زیرا از قدرت جادویی او در آفرینش شعر تصویری غافل‌اند!

از شاملو در معبد خیال خود بتی ساخته‌اند و به پرستش او سرگرم‌اند ولی از توانایی‌های او در فرهنگ عامیانه و میزان تأثیر پذیری‌های او از ادبیات سنتی چیزی نمی‌دانند! از «شعر حرکت» دم می‌زنند ولی در این مسیر حرکتی از خود نشان نمی‌دهند! و هم‌اینانند که با حضور مداوم خود در عرصه رسانه‌های

تصویری و نوشتاری و گفتاری مجال مطرح شدن را از دیگران گرفته‌اند و با نقدهای بی‌محتوا و غرض‌آلود خود، چهره‌گریه و زشتی را از شعر سنتی ترسیم می‌کنند که به دیو هفت سر بیشتر همانند است تا به شعر کلاسیک! و همین عوامل مزاحم‌اند که در روند تکاملی شعر معاصر اخلال می‌کنند و آن را به ورطه‌ی ابتذال سوق داده و می‌دهند...

ولی تا «عشق» در زندگی ما حضور دارد «قول و غزل» نیز در متن زندگی ما حضور خواهد داشت و عمر «غزل» هنگامی به پایان خود نزدیک می‌شود که «شور» و «عاطفه» در فرهنگ ما حضور جدی خود را نداشته باشد و «عشق» و «احساس» و «همدلی» از کرامندی ذاتی خود فاصله بگیرد.

در همین عصر آهن که دیواره‌هایی از سرب و سیمان و سنگ در مسیر چشم‌انداز ما خودنمایی می‌کند، هنوز قلب‌هایی در سینه‌هایی حساس و پراحساس می‌تپد که از جنس نورند و بلور و از زشتی‌ها و پلشتی‌ها به دور.

خلوت ماورایی این دل‌های پاک، و اشراقات اهورایی این سینه‌های تابناک، به تجلی زاری می‌ماند که ریشه در طور دارد و بیتاب و بیقرار در بارش ظهور، که حضور نامحرم‌ان را برنمی‌تابد و کیست که این حالات بیدلانه‌ی روحانی را دریابد؟! مگر می‌توان از کنار این واقعیت‌ها با بی‌تفاوتی گذشت و این راه بارها رفته را برنگشت و قصه‌ی عشق را مرور نکرد که با همه‌ی مکرری، تکراری در آن نیست و کدام خاطری است که از خطور این خاطره‌های بیدلانه‌ی فروزان نیست؟! و کدام آسمانی است که از بارش بی‌امان این عاشقانه‌ها ستاره‌باران نه؟!.

مجموعه غزل: (صد غزل عیسی سرودم، آه مریم می‌شوم) در شمار مجموعه‌های دلنشین غزل معاصر است که در دو دفتر سامان یافته، دفتر اول با عنوان: «ناگهان عشق» از مهدیه امینی و دفتر دوم با عنوان «یک پیاپی باران» از فروغ السادات

سواست.

اگرچه تاکنون توفیق دیدار و آشنایی با این دو شاعر پر تلاش و موفق را نداشته‌ام ولی هر اهل ادبی با مطالعه غزل‌های فاخر و دوست داشتنی این دو دفتر احساس می‌کند که سال‌هاست با پدیدآوردندگان آنها ارتباط معنوی و روحانی دارد چرا که حرف‌های دل خود را از زبان آنان می‌شنود.

عنوانی که این دو شاعر جوان و پراحساس برای این مجموعه شعر انتخاب کرده‌اند، بی‌درنگ با کره‌زایی مریم مقدس را به ذهن متبادر می‌سازد و پیداست که سوداهایی در سر دارند و آرزوهایی در دل، که پرداختن به آنها کاری است بس مشکل! به هر حال جوان‌اند و جویای نام.

اگر با من‌ها کردن غزلیات معدودی که ویتیرینی و عروسکی‌اند و چندان چنگی به دل نمی‌زند سایر سروده‌های این دو دفتر را ملاک داوری قرار دهیم، در نهایت به این جمع‌بندی خواهیم رسید که این دو شاعر جوان، راه دور و درازی را در فاصله زمانی کوتاهی طی نموده، و زبان عاطفی خود را پیدا کرده‌اند و هرازگاه یک سرگردن از همگان خود نیز بالاتر ایستاده‌اند و آینده بسیار روشنی در پیش رو دارند.

نگاهی نو، شاکله قابل قبول ساختاری و غنای محتوایی این غزل‌ها، هر ادب‌شناس پژوهشگری را به تحسین وامی‌دارد، و بر قدرت طبع، مضمون آفرینی، بلوغ عاطفی و نبوغ ذاتی این دو شاعر جوان آفرین می‌گوید.

با مطالعه مجموعه‌هایی از این دست است آدمی به این باور می‌رسد که در قالب غزل، جاذبه‌ها و ظرفیت‌های ناشناخته‌ای وجود دارد که باید به کشف آنها پرداخت تا این درخت تناور بهار دیگری از فصل شکوفه باری خود را تجربه کند.

به هر حال این مجموعه شعر، دامن‌هایی سرشار از گل‌های همواره بویا و همیشه شکوفایی دارد تا نثار ادب دوستانی کند که تارهای دل‌شان هنوز از نواختن

بازنمانده و التهاب عشق را در بندبند وجودشان احساس می‌کنند، خصوصاً غزل مرثیه‌های عاشورایی این دو دفتر که از شور و حال و عواطف روشن و زلال لبریز است، و سخن گفتن از حماسه ماندگار عاشورا و به تصویر کشیدن جمال جمیل شهیدان کربلا برای شاعران جوان غالباً خاطره‌های شورانگیزی به همراه دارد که هر کدام از آنها می‌تواند سرآغاز آفرینش آثار ارزشی و فاخر و بدیعی باشد که در پیشینه هزار ساله شعر عاشورا جای خالی آنها را احساس می‌کنیم.

درباره این دو دفتر غزل، یادداشت‌های بسیاری را فراهم کرده بودم که متأسفانه کم‌مجال‌ها، توفیق پرداختن به آنها را از من دریغ می‌کند و ناگزیرم که در همین جا دامنه سخن را کوتاه کنم و توفیقات بیشتری را برای پدید آوردن‌گان این دو دفتر از خداوند سبحان آرزو نمایم.

بِمَنَّةٍ وَ كَرَمِهِ

محمد علی مجاهدی (پروانه)

آبان ماه ۸۴